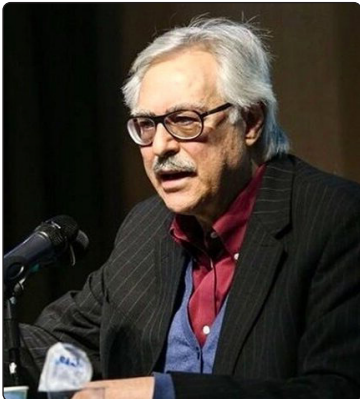


شفیعی کدکنی:

ایران از پای نمی افتد



شفیعی کدکنی: ایران از پای نمی‌افتد. صفحه منسوب به محمدرضا شفیعیکدکنی از مفاخر ادبی کشور با نقل کلامی از زنده یاد «محمدعلی اسلامی ندوشن» شاعر، منتقد، نویسنده، مترجم، حقوق دان و پژوهشگر ایرانی نوشت: ایران از پای نمی‌افتد، می‌تپد و چون ققنوس از خاکستر خود برمی خیزد. در پی حملات اسرائیل به خاک کشورمان، پست اینستاگرامیمنتسب بهاستاد محمدرضا شفیعیکدکنی روز شنبه متنی را منتشر کرد: ایران از پای نمی‌افتد، می‌تپد و چون ققنوس از خاکستر خود برمی خیزد؛مانند دلفین جست می‌زند و پیدا می‌شود و نهان می‌شود، و باز از نو پدیدار. هر کجا که گمان کنید که نیست، درست همانجا هست، در هر لباس، هر سیما، چه در زربفت و چه در کرباس، چه گویا و چه خاموش.

در ادامه این مطلب آمده است: هزاران هزار صدا در خرابه‌های تو پیچید که: «دیوان آمد، دیوان آمد!» این صدا در خرابه‌های دیگر نیز پیچیده است و گوش روزگار با آن آشناست؛ ولی دیوان می‌آیند و می‌روند، غولان می‌آیند و می‌روند، دوالپایان پاورچین پاورچین می‌گذرند، و آن رونده بزرگ که ایران نام دارد، می‌ماند.

کتاب

کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا، منتشر شد

در روزهایی که یکی از مهمترین اخبار در دنیا، سفر رئیس جمهور آمریکا به سه کشور عربی خاورمیانه بود و همچنین پنجمین دور مذاکرات بین آمریکا و ایران نیز برگزار شد، کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» توسط نشر قوم منتشر شد.
«سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» منتشر شد / پژوهشی درباره لابی‌گری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قبل و بعد از امضای اعراب در آمریکا» منتشر شد.
پژوهشی درباره لابی‌گری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قبل و بعد از امضای اعراب در آمریکا» یکی از مهمترین اخبار در دنیا، سفر رئیس جمهور آمریکا به سه کشور عربی خاورمیانه بود و همچنین پنجمین دور مذاکرات بین آمریکا و ایران نیز برگزار شد، کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» توسط نشر قوم منتشر شد.
«سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» منتشر شد / پژوهشی درباره لابی‌گری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قبل و بعد از امضای اعراب در آمریکا» یکی از مهمترین اخبار در دنیا، سفر رئیس جمهور آمریکا به سه کشور عربی خاورمیانه بود و همچنین پنجمین دور مذاکرات بین آمریکا و ایران نیز برگزار شد، کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» توسط نشر قوم منتشر شد.
«سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» منتشر شد / پژوهشی درباره لابی‌گری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قبل و بعد از امضای اعراب در آمریکا» یکی از مهمترین اخبار در دنیا، سفر رئیس جمهور آمریکا به سه کشور عربی خاورمیانه بود و همچنین پنجمین دور مذاکرات بین آمریکا و ایران نیز برگزار شد، کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» توسط نشر قوم منتشر شد.
«سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» منتشر شد / پژوهشی درباره لابی‌گری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قبل و بعد از امضای اعراب در آمریکا» یکی از مهمترین اخبار در دنیا، سفر رئیس جمهور آمریکا به سه کشور عربی خاورمیانه بود و همچنین پنجمین دور مذاکرات بین آمریکا و ایران نیز برگزار شد، کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» توسط نشر قوم منتشر شد.
«سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» منتشر شد / پژوهشی درباره لابی‌گری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قبل و بعد از امضای اعراب در آمریکا» یکی از مهمترین اخبار در دنیا، سفر رئیس جمهور آمریکا به سه کشور عربی خاورمیانه بود و همچنین پنجمین دور مذاکرات بین آمریکا و ایران نیز برگزار شد، کتاب «سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا» توسط نشر قوم منتشر شد.



یکشنبه	
۲۵ • ۰۳ • ۱۴۰۴	
۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ / ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵	

سال هشتم

شماره ۲۱۳۱

شیائولو گوئو نویسنده و فیلمساز درباره این می‌گوید که چرا باآفرینی موبی‌دیک رالهام بخش رمان جدیدش می‌داند، و بیان می‌کند: دیگر نیازی به مصرف بی‌پایان داستان احساس نمی‌کنم؛ آن چه برایم اهمیت یافته، گفتگو با حقیقت و اندیشیدن ژرف‌تر است. کمتر نوشتن، به معنای قوی‌تر نوشتن است. شیائولو گوئو، متولد چین و ساکن لندن، با بیش از بیست عنوان کتاب در ژانرهای گوناگون به زبان‌های چینی و انگلیسی و نیز فعالیت در عرصه کارگردانی فیلم، شناخته می‌شود. از جمله دستاوردهای سینمایی او می‌توان به دریافت پلنگ طلایی جشنواره لوکارنو اشاره کرد؛ جایزه‌ای که پیش‌تر نیز نصیب فیلم‌سازیانی چون کلر دنی و جیم جارموش شده است. به گزارش ایبنا، گوئو امسال دو کتاب منتشر می‌کند: نسخه جلد نرم خاطراتش با عنوان «نبرد من در هیستینگز؛ روایتی از سالی کنار دریا» (۲۰۲۴)، و نیز رمان جدیدی با عنوان «مرا ایشماله بنام» که بازنویسی رمان «موبی‌دیک» است.

◀ **چه عاملی شما را به باآفرینی رمان کلاسیک هرمن ملویل (۱۸۵۱) ترغیب کرد؟**

در دوران اقامتم در نیویورک، به عنوان فردی غیر بومی، در حالی که یک سال در آن شهر قدم می‌زدم و هم‌زمان در دانشگاه کلمبیا تدریس می‌کردم و خاطراتم با عنوان «رادیکال» (۲۰۲۳) را می‌نوشتم، این پروژه در کنار آن، نوعی تجربه فلسفی بود. یخش عمده‌ای از جمعیت جهان آسیایی هستند – ۶۰ درصد جمعیت جهان – و من همواره هنگام نگارش هر رمان از خود می‌پرسم که فردی غیر غربی و فاقد پیشینه دینی کتابی مقدس، چگونه می‌تواند با سنت ادبیات غرب در تعامل باشد. واژه «جهان مسیحیت» بارها در «موبی‌دیک» تکرار می‌شود. به این فکر کردم که اگر کسی هرگز این مفهوم را نشناسد، چه پیش می‌آید؟ اگر به جای آن واژه «تائوئیسم» آمده بود، آیا همچنان مخاطب داستان باقی می‌ماند؟ من در محله‌ام به طور پنهانی درخت می‌کارم و خود را باغبان چریکی می‌دانم؛ این برانگیزنده این پرسش بود که آیا می‌توانم فلسفه شرق آسیای باستان را به نحوی به چشم‌انداز آمریکایی وارد کنم؟ نوعی خرابکاری چریکی. می‌خواستم تمام جهان روی آن کشتی حضور

داشته باشند. زمان زیادی صرف کردم تا بتوانم گفت‌وگویی میان یک کاپیتان سیاه‌پوست دوره جنگ داخلی آمریکا و یک بادبان‌ساز تائوئیست چینی ایجاد کنم.

◀ **دلیل انتخاب «ایشماله» به جای «ایشماعیل» شخصیت اصلی در رمان جدیدتان چه بود؟**

ماجرای دختران طبقه کارگر در عصر ویکتوریا بود که در نوجوانی با یک کاپیتان نیویورکی روبه‌رو شد. این دختران به اشتیاق داشتن زندگی بهتر، لباس کابین‌پسران را می‌پوشیدند، موهای خود را می‌تراشیدند و به کشتی‌ها می‌رفتند؛ این روایت‌ها تا آن‌جا مرا مجذوب کرد که تقریباً خود سفر دریایی‌ایدم رفت؛ می‌خواستم سفری از ایشماله به ایشماعیل دوباره به ایشماله را روایت کنم.

◀ **از نظر محتوا، کتاب عامدانه ساختار شکن است؛ اما به لحاظ سبک، نسبت به آثار قبلی شما سنتی‌تر به نظر می‌رسد. دلیل این امر چیست؟**

شیائولو گوئو در گفت‌وگو باگاردین:

کمتر بنویس تا قوی‌تر بنویسی!



مربوط به نهنگ‌شناسی که بسیاری از خوانندگان انگلیسی‌زبان را نیز به چالش می‌کشد. این شیوه نگارش، متعلق به دوران پیش از ویکی‌پدیا است؛ امروزه دیگر کسی این‌گونه رمان نمی‌نویسد. اما ملویل حجم غظیمی از اطلاعات را گردآوری کرده است. من شخصاً ترجیح می‌دادم مطالب دریاوردی را به شکل دست‌اول بخوانم. او تحت تأثیر ترازوی کشتی «ایسکس» قرار داشت (ملوانانی که پس از غرق شدن، ناچار به خوردن یکدیگر شدند) و به نظر من یادداشت‌های نخست افسر کشتی، اوون چیس، تأثیرگذارتر از خوانند ده‌باره «موبی‌دیک» برای تحقیق بود.

◀ **چه عاملی تعیین می‌کند شما سراغ کدام ژانر بروید؟**

این پرسش برای نویسنده‌ای که واژه‌پرداز نیست، مسئله مهمی محسوب نمی‌شود. اغلب نویسندگان واژه‌پرداز تنها هر چند سال، همان داستان‌های همیشگی را بازمی‌نویسند؛ اما من خودم را نویسنده نمی‌دانم. ایده‌ای به ذهن می‌رسد و با آن بازی می‌کنم؛ گاهی یک فیلم می‌شود؛ اما نقد دشوار که خواننده سرانجام قید خاطره‌ای یا متنی شاعرانه، در واقع، همه چیز برای من از ایده شروع می‌شود. بسیاری از آثار

ملت‌سازی درباره مردمی است که در کنار هم می‌مانند و آنان که نمی‌مانند

ملت‌ها از کجایمی آیند؟

سراسر جغرافیای کشور است به گونه‌ای که این روابط از مرزهای قومی، زبانی یا منطقه‌ای فراتر رود.

سراسر جغرافیای کشور است به گونه‌ای که این روابط از مرزهای قومی، زبانی یا منطقه‌ای فراتر رود. در این نوع از ملت‌سازی، هدف آن است که همه گروه‌ها، بویژه اقلیت‌ها، احساس مشارکت و نمایندگی سیاسی در دولت مرکزی داشته باشند. شاخص‌هایی که نویسنده برای این بعد معرفی می‌کند، شامل ایجاد ائتلاف‌های میان قومی در سطح ملی، حضور اقلیت‌ها در پارلمان، کابینه و بوروکراسی و دسترسی یکسان گروه‌ها به ساختار قدرت می‌شود. بعد دوم، مربوط به «هویت سیاسی» است. این بعد مستقل از اینکه چه کسی حاکم است، به شکل‌گیری احساس وفاداری و تعلق شهروندان به نهادهای دولتی مربوط می‌شود. ملت‌سازی موفق یعنی شهروندان خود را با چالش کمتری طی می‌کنند اما تلاش برای ساخت ملت صرفاً از مسیر دموکراتیزاسیون، اغلب به بن‌بست می‌انجامد. به تعبیر ویمر، «دموکراسی ملت نمی‌سازد، بلکه ملت‌های ساخته شده بهتر دموکرات می‌شوند.» کتاب حاضر نه فقط پاسخی به یک مسأله اساسی در علوم اجتماعی و سیاسی است، بلکه تلاشی جدی برای صورت‌بندی نظریه‌ای مقایسه‌ای و مبتنی بر داده درباره ملت‌سازی است؛ نظریه‌ای که هم برای پژوهشگران دانشگاهی و هم برای سیاست‌گذاران بین‌المللی آموزنده، نقادانه و الهام‌بخش است.

◀ **دوری سکه ملت‌سازی**

نویسنده به رویکردهای متقدم پیرامون ملت‌سازی بازمی‌گردد و بین تشکیل دولت-ملت و ملت‌سازی تمایز قائل می‌شود. به باور او، تشکیل دولت-ملت مستقل با پرچم، ارتش، سرود ملی، سکه، اسکناس و گدزنامه جدید، نتوانست شهروندان را به احساس یگانگی با کشور

یا پذیرش اقتدار دولت ترغیب کند. او به دنبال شناسایی فرآیندها و سازوکارهای یکپارچگی سیاسی است. به این منظور، برای ملت‌سازی دو بعد در نظر می‌گیرد و هر بعد یک هدف مشخص در حوزه پیوند بین دولت و جامعه تعریف می‌شود و در ادامه سه مکانیسم اصلی برای تحقق هر دو بعد معرفی می‌کند. بعد اول، «ادغام سیاسی» است. ادغام سیاسی به معنای گسترش روابط و ائتلاف‌های سیاسی بین دولت و شهروندان در

ادیات

شیائولو گوئو در گفت‌وگو باگاردین:

کدام نویسنده را بیشتر دوست دارید؟

قبلی‌ام با به زندگی شخصی‌ام نزدیک بوده است، زیرا زمانی که به غرب آدم (۲۰۰۲)، ناگهان دوباره احساس کردم یک دختر جوان هستم و یک نوجوانی طلونی را برای کشف خودم به عنوان یک زن، در اروپا تجربه کردم. با رسیدن به پنجاه سالگی دریافت‌م که هرگز به‌طور عمیق به تاریخ ورود نکرده‌ام. انسان تغییر می‌کند؛ تولستوی در پنجاه سالگی پس از پنجاه سال خوردن سوسیس و گوشت روسی، گیاه‌خوار شد! خواندن سالنامه آنگلو ساسکون و کتاب «دوومزدی» برای نگارش نبرد من در هیستینگز بخشی از فرآیند خودآموزی بود درباره دینامیک قدرت در هزار سال گذشته بود و همین تجربه به من اعتماد به نفس لازم برای پروژه «موبی‌دیک» را بخشید.

◀ **در این روزها، سرگرم خواندن چه آثاری هستید؟**

دو هفته اخیر، هر شب پیش از خواب، غزل‌های غنایی وردزورت و کولریج را می‌خوانم. سال‌ها به خاطر شعر «کوبلا خان» سراغ کولریج رفته‌ام؛ هر زمان که نویسنده‌ای غربی درباره آسیا چیزی می‌نویسد، فوراً حس بخشش و گشاده‌دستی به انسان دست می‌دهم. «آری، ممنون! به شرق اشاره کردی؛ حالا آثار تو را می‌خوانم تا دل‌پیش را بیابم.» هنگام خواندن کولریج هر شب، احساس می‌کنم با زبانی رویاگون مواجه‌ام. اما وردزورت بسیار عقلانی‌تر و ساختارمندتر است.

◀ **آخرین کتابی که به کسی هدیه دادید، چه بود؟**

تس از خاندان دوریروویل. اثر توماس هاردی که یکی از اصیل‌ترین شخصیت‌های زن را در رمان انگلیسی دارد. برای سال‌ها، شیفته دی.اچ. لارنس بودم. برای کشف خاستگاه نثرش، به هاردی باگشت‌م و دیدم او واقعاً قوی‌العاده است. همان هفته، کتاب زن ستوان فرانسوی نوشته جان فاولز را نیز به کسی هدیه دادم. سه نسخه از این رمان در خانه‌ام داشتم تا همیشه دم دستم باشد، زیرا آن را بسیار دوست دارم. پس از یازدید از لایمر ریجیس (مجل وقوع داستان)، دوباره این یعنی زبان گفتاری یا نوشتاری که مردم سراسر را با آن سبک بنویسیم؛ جایی که تأمل و روایت هم نشینند، نه فقط روایت صرف.

نتوانست ساختار ارائه خدمات عمومی را بنا کند.

بیشتر خدمات مبتنی بر رشوه، رابطه قبیله‌ای و رانت بود. دیکتاتور نظامی سومالی کوشید با کمپین‌های ضربتی به صورت مقطعی خدمات ارائه دهد، اما این اقدام‌ها پایداری نداشت و دولت به ابزار قوم‌و توبدیل شد و نتیجه آن جنگ داخلی و فروپاشی سیاسی بود. سومین متغیر، «وجود زبان یا خط مشترک ارتباطی» است که کمک می‌کند فرآیند ملت‌سازی تکامل پیدا کند. یعنی زبان گفتاری یا نوشتاری که مردم سراسر کشور بتوانند از آن برای ارتباط، مذاکره و کنش سیاسی استفاده کنند. وجود زبان با خط مشترک، هزینه ارتباطات سیاسی و فرهنگی را کاهش می‌دهد و امکان شکل‌گیری احساس سیاسی چند قومیتی را فراهم می‌سازد. در غیاب پاسخی وسیله‌ای، هر گروه قومی در فضای زبانی خودش باقی می‌ماند، ائتلاف‌ها درون قومی می‌مانند و هویت ملی واحد شکل نمی‌گیرد.

زبان یا خط مشترک، یکی از عوامل تسهیل‌گر ملت‌سازی است. بدون ابزار ارتباطی مشترک، نمی‌توان تصور ملت واحد را در ذهن مردم جا انداخت. حتی در دولت‌های متمرکز، نبود چنین زبان یا خطی انسجام ملی را تضعیف می‌کند. در چین به‌رغم وجود زبان‌های گفتاری متنوع، خط نوشتاری واحدی در سراسر کشور به کار می‌رفت. این خط مشترک امکان برگزاری آزمون‌های سراسری امپراطوری را فراهم می‌کرد و نخبان همه مناطق را در اداره کشور مشارکت می‌داد. در نتیجه چین توانست هویت ملی چندزبانه اما متحدی میان «هان‌ها» بسازد. در روسیه، زبان‌های متعدد با خطوط گوناگون (سیریلیک، لاتین، عربی و مغولی) نوشته می‌شدند. در اواخر دوران تزاری، احزاب عمدتاً بر اساس زبان شکل گرفتند (ارمنیان، گرجی‌ها، فنلاندی‌ها، لهستانی‌ها و...) سیاست شوروی مبنی بر آموزش به زبان محلی، انسجام ملی را بیشتر از آنکه تقویت کند، تفکیک کرد.

در نهایت اتحاد شوروی در امتداد همین خطوط زبانی از هم پاشید. ویمر در نهایت تأکید می‌کند ملت‌سازی فرآیندی است که نسل‌ها طول می‌کشد و با مداخله کوتاه‌مدت بیرونی مانند مداخلات نظامی یا کمک‌های بشردوستانه و فعالیت‌های تبلیغاتی حاصل نمی‌شود. ایجاد دولت‌های فراگیر و توانمند در ارائه خدمات عمومی، تقویت آموزش عمومی به زبان مشترک و رشد نهادهای مدنی بومی، مؤثرترین مسیرهای ملت‌سازی در بلندمدت هستند.

فراگیر بیشتر است. در مقابل، در کشورهایی که نهادهای اجتماعی فقط در مناطق خاص یا میان گروه‌های مسلط توسعه یافته‌اند، احتمال حذف گروه‌های دیگر از قدرت وجود دارد. سازمان‌های جامعه مدنی نقش بنیادی در ایجاد ادغام سیاسی دارند.

آن‌ها نمایندگی را در میان قومیت‌های مختلف نهادینه و از شخصی‌سازی قدرت سیاسی جلوگیری می‌کنند. در سوئیس، شبکه‌هایی از باشگاه‌های تیراندازی، حلقه‌های کتابخوانی و گروه‌های موسیقی در سراسر کشور و میان اقوام مختلف (آلمانی‌زبان، فرانسوی‌زبان و ایتالیایی‌زبان) رشد کردند. پس از جنگ داخلی ۱۸۴۸، دولت بر همین شبکه‌ها تکیه کرد تا ساختار سیاسی چند قومیتی ایجاد کند. در بلژیک، سازمان‌های مدنی عمدتاً در مناطق فرانسوی‌زبان متمرکز بودند و پس از استقلال، قدرت سیاسی تنها در دست همین نخبگان باقی ماند. در نتیجه، فلأمیش‌ها احساس طرد و سلطه یافتند و گسل‌های زبانی به منازعات سیاسی جدی تبدیل شدند. دومین متغیر کلیدی، «ظرفیت دولت برای ارائه عادلانه کالاهای عمومی در سراسر کشور» است. کالاهای عمومی شامل آموزش، بهداشت، زیرساخت، امنیت، خدمات اضطراری و... است. اگر شهروندان ببینند دولت بدون تبعیض قومی یا منطقه‌ای به آنان خدمات ارائه می‌دهد، تمایل بیشتری به وفاداری، پرداخت مالیات و مشارکت سیاسی خواهند داشت. این غیر این صورت دولت به مثابه ابزار سلطه قوم یا طبقه‌ای خاص دیده می‌شود و شکاف میان دولت و جامعه تعمیق می‌یابد. خدمات عمومی در نگاه ویمر، ابزار مشروعیت‌بخشی محسوب می‌شوند. نه اینکه صرفاً کارکرد رفاه‌بخشی داشته باشند. توانمندی دولت در ارائه خدمات برابر، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری «هویت ملی مثبت» دارد. وقتی شهروندان، دولت را منصف بدانند، احساس تعلق سیاسی شکل می‌گیرد و ملت‌سازی موفق می‌شود.

در بوتسوانا، دولت پس از استقلال به شکل مؤثر از منابع حاصل از دام‌پروری و سپس صادرات الماس برای توسعه زیرساخت، آموزش و بهداشت در سراسر کشور استفاده کرد. در این کشور هیچ نشانه‌ای از جانبداری بوروکراتیک از قوم خاصی دیده نمی‌شود. در نتیجه همه اقوام و اقلیت‌ها، احساس تعلق و وفاداری به دولت پیدا کردند. همچنین در سومالی، دولت مرکزی